

تهدید نرم، رویکردی رسانه محور

اشاره

تهدید نرم را می توان از جمله تحولاتی دانست که موجب دگرگونی در هویت فرهنگی والگوهای رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی می شود. تهدید نرم نوعی سلطه کامل در ابعاد سه گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق استحاله الگوهای رفتاری ملی در این حوزه ها و جایگزینی الگوهای نظام سلطه ای تهدید محقق می شود. با این نگرش، تمامی اقداماتی که موجب نشود تا اهداف و ارزش های حیاتی یک نظام سیاسی (زیرساخت های فکری، باورها والگوهای رفتاری در حوزه اقتصاد، فرهنگ و سیاست) به خطر افتد، یا موجب ایجاد تغییر و دگرگونی اساسی در عوامل تعیین کننده هویت ملی یک کشور شود، تهدید نرم به شمار آید. در تهدید نرم، بدون منازعه و لشکرکشی فیزیکی، کشور مهاجم اراده خود را بر یک ملت تحمیل و آن را در ابعاد گوناگون با روش های نرم افزارانه اشغال می کند.

تردید در سبانی و زیر ساخت های فکری یک نظام سیاسی، بحران در ارزش ها و باورهای اساسی جامعه، بحران در الگوهای رفتاری جامعه و بحران های پنج گانه سیاسی (هویت، مقبولیت، مشارکت، نفوذ و توزیع) را می توان از مؤلفه های این تهدید نام برد. تغییرات حاصل از تهدید نرم، ماهوی، آرام، ذهنی، تدریجی و نرم افزارانه است. این تهدید همراه با آرامش و خالی از روش های فیزیکی و با استفاده از ابزارهای تبلیغات، رسانه، احزاب، تشکل های صنفی و قشری و شیوه القاء و اقناع انجام می پذیرد هدف از هر نوع تهدید تأثیرگذاری بر اندیشه، عواطف و اراده و سرانجام به تسلیم کشاندن حریف است. بنابراین نقطه مشترک همه تهدیدات، تحمیل اراده به نیروی مقابل است. تفاوت های تهدیدات، درجه کارگیری روش ها، ابزارها و... است. تهدید می تواند با تأکید بر توان فیزیکی (لشکرکشی، اشغال خاکریز و سوززمین، نابودی و کشتن انسان ها و ویران نمودن مراکز اقتصادی) اجرا شود و یا می تواند با تکیه بر روش های سیاسی، روانی و شیوه های غیر خشونت آمیز و با به کارگیری قدرت نرم برای تأثیرگذاری بر اراده حریف و نیروی مقابل انجام گیرد. بی تردید اگر فکر، اراده و قدرت روحی حریف تسخیر شود، کاربرد قدرت سخت و لشکرکشی ضرورتی نخواهد داشت. از همین روه، قدرت های استکباری با کاربرد عملیات روانی، مقاومت ملت ها و مینظام های سیاسی را پیش از عملیات نظامی فرو می ریزند یا برای سرعت بخشیدن در اهداف عملیات نظامی، اقتصادی و سیاسی از سلاح عملیات روانی به منظور سلب اراده و انگیزه نبرد درنخبگان یک کشور، مردم و نیروهای مسلح بهره می گیرند و عملاً خاکریزهای دفاعی کشور بدون خونریزی سقوط می کند.

بنابراین تهدید نرم، امروزه مؤثرترین، کارآمدترین و کم هزینه ترین و درعین حال خطرناک ترین و پیچیده ترین نوع تهدید علیه امنیت ملی یک کشور است، چون می توان با کمترین هزینه با حذف لشکرکشی واز بین بردن مقاومت های فیزیکی به هدف رسید زیرا با عواطف، احساسات، فکر و اندیشه و

باور و ارزش ها و آرمان های یک ملت و نظام سیاسی ارتباط دارد. ابعاد این جنگ و تهدید گسترده تر و مخرب تر است زیرا دین، فکرو آرمان ملت ها را آماج تهاجم خود قرار می دهد.

تهدید نرم به روحیه، به عنوان یکی از عوامل قدرت ملی خدشه وارد می کند، عزم و اراده ملت را از بین می برد، مقاومت و دفاع از آرمان و سیاست های نظام را تضعیف می کند. فروپاشی روانی یک ملت می تواند مقدمه ای برای فروپاشی سیاسی - امنیتی و ساختارهای آن باشد.

نمونه های فراوانی از کاربرد تهدید نرم، در صفحات تاریخ وجود دارد. در حال حاضر، همه کشورها به نوعی دیگر در معرض این نوع تهدید هستند. قدرت های استکباری، تشکیلات، امکانات و نیروی انسانی و ابزارهای پیشرفته و پیچیده و مراکز علمی و پژوهشی خود را به صورت گسترده در اختیار این جنگ قرار داده اند. با ظهور فناوری جدید و علوم ارتباطات، ظهور وسایل ارتباط جمعی و رسانه های متنوع نوین، ابعاد تهدید نرم، گسترده تر و پیچیده تر شده است و بخش قابل توجهی از نظریه های جدید امنیتی و راهبردهای قدرت سلطه گر، به این امر اختصاص داده شده است که عبور بی توجه از این رویکرد جدید برای نظام های سیاسی مورد هدف قرار گرفته، می تواند منجر به راه بدون بازگشت گردد. از این رو نشستی با حضور سه تن از استادان متخصص حوزه امنیت در دانشگاه عالی دفاع ملی برگزار گردید تا هر یک از این استادان نقطه نظرات خود را نسبت به این پدیده و شرایط ظهور آن در جمعی با حضور دانشجویان دانشکده امنیت ملی بازگو نمایند که در شرح ذیل بخشی از این گفتمان را مطالعه می فرمایید.

واحد پژوهش دانشکده امنیت ملی

دکتر افتخاری: قبل از این که به شناخت تهدیدات نرم بپردازیم، لازم است به تصویری در خصوص عناصر اصلی یک تهدید دست یابیم و بر اساس آنها مشخص کنیم که اصولاً تهدید نرم چگونه تهدیدی است. در این ارتباط چند عنصر در خور توجه است: اول توانمندی است که توانایی جوهره اصلی یک تهدید را شکل می دهد چرا که حسب تعریف عمومی تهدید، شما باید بتوانید نسبت به "مخاطره افکندن" منافع رقیب اقدام کنید. لذا "توان به مخاطره افکندن" باید موجود باشد.

دوم انگیزه است که اگرچه "مقوله انگیزه" در تکوین و ظهور "تهدید" نقش آشکار و صریحی ندارد و لذا اختلاف نظر بسیاری را می توان سراغ گرفت، اما چنین به نظر می رسد که بدون عنایت به عنصر "انگیزه" حداقل نمی توان به تصویر جامعی از تهدید هم رسید. لذا انگیزه در تحلیل تهدید سهم به سزایی دارد و افزون بر آن در مدیریت تهدید هم نقش ایفا می کند، به همین دلیل در اینجا ما بر آن تأکید داریم.

سوم ابزار است که آشکارترین عنصر تهدید محسوب می گردد که معمولاً به آن توجه می شود و نوع ابزاری که برای فعال سازی تهدید به کار گرفته می شود بسیار مهم است.

و چهارم شرایط محیطی است، مجموعه عوامل محیطی (داخلی/خارجی) که عملیاتی شدن تهدید را ممکن می سازد، می توان در این بند قرار داد. اگرچه هر یک از این عناصر را می توان تحلیل و توسعه داد، اما حسب نیاز ما در این موضوع، به همین کلیات بسنده می کنیم. (توضیح مطلب را در "کالبد شکافی تهدید" بخوانید.) نکته بعد رویکردهای حاکم بر تهدید نرم است که با عنایت به مباحث مذکور، حال می توان چند تلقی و برداشت اصلی را در بحث از تهدید نرم از یکدیگر تمیز داد:

۱- تهدید نرم و تنوع ابزاری

در این رویکرد، تهدیدات نرم آن دسته ای از تهدیدات محسوب می شوند که با ابزارها و فناوری های نوین ارتباطی، اعمال می شوند. به عبارت دیگر، ابزار وجه ممیزه تهدید نرم از سخت است. تفاوت استفاده از "رسانه" و یا "اسلحه"، حد فاصل این دو گونه می باشد.

۲- تهدید نرم و تنوع موضوعی

در این رویکرد، تهدیدات نرم آن دسته ای از تهدیدات ارزیابی می شوند که اهداف متفاوتی را موضوع خود قرار می دهند. برای مثال به جای تمامیت ارضی؛ هویت، هنجار، فرهنگ و... را پوشش می دهند. در پایان اعتقاد دارم با توجه به رویکرد اجتماعی که مطرح کردم، معلوم می شود که:

- ۱-۵ همه تهدیدات دارای هویت اجتماعی و در نتیجه "تهدیدی نرم" هستند.
- ۲-۵ مدیریت کارآمد تهدید، به شناخت هویت اجتماعی و ظهور نرم آن منوط است.
- ۳-۵ "نرم" بودن یک تهدید، یک تلقی از حیات تهدید و نه یک گونه از تهدید است.
- ۴-۵ تهدید در این تلقی، با هزینه هایی کمتر و تأثیرگذاری بالاتر، مدیریت می شود.

۵-۵ جدیت و خطرات ناشی از تهدیدات نرم به مراتب وسیع تر و تأثیرگذارتر از تهدیدات سخت هستند.

دکتر عماریان نژاد: آنچه که امروز به عنوان تهدید نرم مطرح شده است موضوع جدیدی نیست فقط به واسطه گستره و محیط سلطه رسانه ای، زمینه های نرم جنگ خود را به صورت بارز و شفاف بر جسته نموده است. یعنی بشر در الگوهای ذهنی اش همواره نتایج جنگ را مبتنی بر برتری بیشتر یا کمترین هزینه و امکان سطح درگیری، اتخاذ می کرده است. ولیکن تهدید نرم اگر امروزه به عنوان ادبیات تهدید و تولید قدرت براندازانه در مقابل نظام های سیاسی متعارض ظاهر شده، به نظر می رسد که شکل جهش یافته ای از عملیات روانی است که در پی توانمندی رسانه ای تکامل پیدا کرده، به تعبیر دیگر اگر در تعریف عملیات روانی همواره عنصر تولید نگرش و بینش جدید را به عنوان یک اقدام مکمل و جایگزین و در ادامه تغییر نگرش قدیمی با استفاده از ابزارهای تمکین ساز و اقناعی و به عنوان یک ایده آل عملیات و جنگ روانی محسوب کنیم امروزه دیگر این کارکرد عملیات روانی آرزویی دست نیافتنی برای کارتل های تبلیغاتی نیست، اما در حوزه درک و نحوه مقابله با تهدید نرم باید به دنبال آن بود که علت جهش این سازوکار چیست؟ آیا این جهش ناشی از تکامل و حضور بلامنازع ابزار و شیوه ها است؟ امروزه این رویکردها و ادبیات برخاسته از آن رهبران و نظام های فرهنگی و تبلیغاتی آنها را به جایی رسانده که اهداف و نگرش های خود را طوری پیاده سازی می کنند که هزینه های کمتری به همراه داشته و مخاطبان را به راحتی و با بیشترین سطح تمکین همگام خود می سازند. در این جهش تغییر کارکردها و سازکارهای ارتباطی و رسانه ای را به راحتی مشاهده می توان کرد که در درون خود سیستم های همه جانبه و تعامل گرای ارتباطی را دارد. یعنی تهدید نرم ناشی از تکاملی ابزاری در حوزه رهیافت های رسانه ای و روانی ظهور یافته است، تکاملی که امکان تغییر معانی و مفاهیم حوزه فلسفی و معرفتی منابع قدرت ملی وایدئولوژیک حریف را نیز در خود دارا می باشد، روش شناسی و معرفت به راحتی می تواند نوع و میزان آگاهی و ملت ها را تعریف و تحت سلطه خود در آورد. یعنی دولت ها به این نتیجه رسیده اند که باید کاری کنند هزینه های عملیات و استقرار فیزیکی آنان در حوزه بیگانه کمتر شود. لذا بر روی تقویت و فعال نمودن الگوهای رفتاری و فرهنگی متمرکز شده و در آن وادی قدم گذاشته اند و

به جای این که سربازان و نیروهای نظامی را به پیش ببرند، تفکرات و الگوهای رفتاری و فرهنگی خود را آرایش کرده و به مصاف ناکارآمدی و آسیب های فرهنگی رقیب و حریف می فرستند و در این عرصه زیاد با پیچیدگی مفهومی هم عمل نمی کنند، بلکه با تولید دانش، حوزه های فرهنگی و اجتماعی را به مصرف و پذیرش هنجارها و الگوهای رفتاری وادار و به راحتی نفوذ خود را محقق می کنند. مهم آن است که ما این تفاوت الگویی تهدید نرم و سخت را درک کنیم. لذا من تصور می کنم که در تهدید نرم جدای از این که هدف در آن اصالت دارد، اما ابزارها و روش های آن نیز باید شناخته شود تا راه و مسیر بر ما مشتبه نشود و خود باعث نشویم که زمینه ظهور تهدید نرم را فراهم کنیم که در این صورت دشمن فقط کافی است اطلاعات و منابع تولید رفتار خود را تنظیم کند، پس بلافاصله می تواند رفتارها و رویکردها را در یک دسته بندی جدید یادگیری مورد تغییر قرار دهد و جامعه ای را به آن سمت و سو تغییر مسیر دهد. پروفسور "جین شارب" در کتاب استبداد و دموکراسی خود این رویکرد را با مثال ظریف و زیبایی مطرح می کند که جای مطالعه دارد. خیلی تمایل دارم نظر دوستان و عزیزان را به این جدولی که طراحی و دسته بندی کرده ام جلب کنم تا نقش تهدید نرم در این حوزه شفاف شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شاخص های اندازه گیری تهدید نرم	معیارهای شناخت آسیب و ظهور تهدید نرم	حوزه ظهور واستقرار تهدید نرم
میزان بروز ناکارآمدی و عدم مقبولیت در سطح عامه	کاهش سطح اطاعت پذیری و اعتماد عمومی، بروز بحران حقانیت سیاسی	مشروعیت
کاهش تصمیمات مورد وفاق و حمایت های عمومی و عدم حضور ملی	کاهش حضور فعال مردمی در حوزه های تصمیم گیری سیاسی اقتصادی فرهنگی	مشارکت ملی
ماهیت مطالبات در برابر محدودیت های قانونی و ارزشی و امکانات	گرایش سطح مطالبات عمومی به انتظارات فرا امکاناتی و فرا قانونی در لایه های مؤثر جامعه	مطالبات عمومی
بروز تنوع و تکثر و طلب حقوق قومی، نژادی در راستای افزایش و اثبات قدرت	شکاف و چندگانگی هویتی متعارض و متزاحم با هویت ملی و انسجام سیاسی	هویت سیاسی
عدم رعایت اصول ارزشی در کارکردهای جامعه بنابر سطح و تکرار و شدت	مخالفت و رویارویی با ارزش های اساسی از طریق دیگر ارزش های ایدئولوژیک غیر حکومتی	ارزش های اساسی
ناهنجاری های اخلاقی و رفتاری در تعارض با کارکردهای اجتماعی و مورد وفاق عامه	عدم تمکین و شیوع آن در قبال هنجارهای عامه و توجه به هنجارهای غیر حمایتی	هنجارهای عمومی
افزایش و نفوذ خرافات، تجبر و واماندگی و اخباری گیری در لایه های فعال جامعه	ظهور و بروز رفتارهای متحجرانه و غیر عقلایی و خرافاتی و کاهش توجهات اصلاح گرایانه بومی	اصلاح و نوسازی ملی
بی توجهی برخی از لایه های اجتماعی به اوامر و مناهای دولتی در شاخص سطح و شاخص حوزه و شدت	عدم نفوذ برخی از مطالبات و کارکردهای حکومتی در برخی از لایه های اجتماعی فعال	نفوذ اجتماعی
میزان تشمت و پراکندگی در لایه های نسلی، صنفی، عملی، جنسیتی در جامعه و سطح تعارض آن	شکاف و بروز اختلال در عوامل یکپارچه ساز اجتماعی و روابط برخاسته از آن	وفاق و انسجام
افزایش سطح اختلافات و بروز رقابت های منفی و ایجاد تعارض در تصمیم گیریهای ملی	تشدید اختلافات و عدم یکپارچگی تصمیمات در حوزه سیاست های ملی و منفعت گرایی	نخبگان حاکم
افزایش سطح برتری و جزئی دگراندیشی روشنفکران در جامعه و گرایش دگراندیشان به ناخوداندیشی، تغییر سطح ادبیات روشنفکران به توزیع مخالفت	خروج توصیه ها و رویکردهای روشنفکران در تغایر با منافع و ارزش ها و ایجاد نخله های مقاومت	روشنفکری

حوزه ظهور و استقرار تهدید نرم	معیارهای شناخت آسیب و ظهور تهدید نرم	شاخص های اندازه گیری تهدید نرم
تولید علم و فناوری	توجه به عدم تولید علم و فناوری و گرایش غالب به مصرف علم و فناوری غیر بومی	افزایش سطح ترجمانی ادبیات حاکم علمی، غلظت فناوری های وارداتی در محصولات و الگوهای مصرفی، گرایش تحصیل در خارج از کشور
پیام رسانی و تبلیغ	عدم تحرک تبلیغی و ظهور انفعال رسانه ای در جذب مخاطب بومی در راستای قدرت ملی	حجم تبلیغات حاکم خودی رسانه و غیره، میزان تمکین و توجه به تبلیغات در رسانه های بیگانه، میزان حضور و گستردگی تبلیغات غیر در کشور
تحرک اجتماعی	کاهش تمایل اجتماعی در پذیرش نقوش اجتماعی مرجع و فعال و ارتقاء عدم تمایل اجتماعی در قالب توجه به مقبولیت و کارآمدی نظام اجتماعی	عدم تمایل به فعال سازی نقوش اجتماعی در لایه های سرمایه ای، تغییر الگوها و منزلت های اجتماعی و انحراف در گرایش های غالب اجتماعی
مکانیزم تصمیم سازی ملی	ظهور حوزه های مقاومت و رقابتی در حوزه های تصمیم سازی و ارائه تصمیمات آلترناتیو در قبال تصمیمات حکومتی	سطح تردید در عمل و هدف تصمیمات حکومتی در کشور، وجود تبلیغات حاکم بر نارسایی ها و تنگناهای تصمیمات اساسی در کشور
الگوهای مرجع	کاهش سطح توجه، حمایت و پذیرش الگوها و نهادهای مرجع در جمله و تغییر غیر رسمی آن	بی توجهی به سازکارهای پیروی از الگوهای مرجع اجتماعی و نهادهای حامی، تغییر مطالبات از الگوهای مرجع در خارج از عرف و ارزش های اساسی
عدالت اجتماعی	تغییر ماهیت و ادبیات عدالت اجتماعی در تقابل با سازکارهای هنجاری دولت	بی توجهی عمومی به سازکار نهادهای انتظامی و قضایی، عدم گرایش عامه به پیروی از حقوق موضوع و ملی در ج.ا.ا، توجه به الگوهای سنتی و خلاف قوانین
الگوهای تقاضا	تغییر ماهیت و نوع و بستر ارائه تقاضا در خارج از کانال های رسمی و مورد حمایت دولت	تغییر رفتارهای اعلام و پیگیری تقاضا، نوع و سطح الگوهای تقاضا در خارج از مدار نظم و الگوهای قانونی
تولید اطلاعات	ضعف و کاهش توانایی در تولید اطلاعات، دانایی و کنترل و هدایت قابلیت ها	حجم، ماهیت، نوع و سطح گذاری و توزیع اطلاعات سیاسی و حمایت گرایانه در مقابل حجم، گستره و توزیع اطلاعات رضایت برانگیز

شاخص های اندازه گیری تهدید نرم	معیارهای شناخت آسیب و ظهور تهدید نرم	حوزه ظهور واستقرار تهدید نرم
سطح غفلت و توجه به حوزه های نرم امنیتی و سطح توجه و تمایل مردم و سازمان های مسؤول مولد امنیت به موضوعات نرم افزاری و کاهش توجه آنان به امنیت سخت و نیمه سخت	کاهش توانایی و توازن مدیریت امنیتی در قالب ایجاد متعادل و تعامل رویکرد امنیت سخت و نرم و ایجاد آرامش ملی	مدیریت امنیتی

منبع: عصاریان نژاد، حسین، تهدیدات نرم امنیت ملی: مفاهیم و رویکردها، همایش

علمی قدرت نرم، تهران، ۱۳۸۵

شیوه و روش اجرایی تهدید نرم	ابزار اعمال تهدید نرم	حوزه ظهور واستقرار تهدید نرم
بروز و توزیع مقاومت منفی و ترویج آشوب های اجتماعی	تبلیغات خارجی در ناکارآمدی ها و ناراضی سازی عمومی، ضعف و بحران مقبولیت نظام سیاسی	مشروعیت
ترغیب به حضور و مشارکت منفی و رفتارهای ضد ارزشی و عدم حضور در تصمیم سازی ملی	تمرکزگرایی دولتی و تصدی گری آن، تبلیغات منفی خارجی در برنتابیدن و همکاری ملی	مشارکت ملی
تعیین مطالبات جدید عمومی از طریق تولید اطلاعات و ایجاد شبهه در حقوق اجتماعی	تبلیغات منفی خارجی و تحریک و تشییع لایه های اجتماعی، انتظار و توقع سازی مضاعف پی در پی	مطالبات عمومی
حق طلبی پارلمانی، خودمختاری سیاسی، دوری از رسمیت هویت دولتی	اخذ حقوق از طریق جنبش های قومی، انجمن های تاریخ محور و غیر ارزشی، فعالیت های فرقه ای، وجود بحران هویتی	هویت سیاسی
توزیع نمادها و گونه های ضد ارزش و نفوذ آن در کارکردهای اساسی	تبلیغ ناکارآمدی های ارزشی و بهره برداری ابزاری از ارزش های متعارض التر ناتیبو	ارزش های اساسی
آموزش و توزیع گستره هنجار های غیر حکومتی و نفوذ و اغلیت بخشیدن در لایه های اجتماعی	تبلیغات مخالفه رسانه های رفتاری، ناکارآمدی هنجارهای موجود، عدم یکپارچگی هنجاری در جامعه	هنجارهای عمومی
تشویق خرافه اجتماعی، هدایت رفتارهای معنوی به ذوقی گری دینی و وابسگرایانه	تبلیغات رسانه ای، غایت سازی در رفتار خرافه، لادریگری و نفی غایت دینی، الگوی غلط اصلاح در حکومت	اصلاح و نوسازی ملی

تهدید نرم	حوزه ظهور و استقرار	ابزار اعمال تهدید نرم	شیوه و روش اجرایی تهدید نرم
نفوذ اجتماعی	تبلیغ کاذب و افشاه‌گری با کارآمدی و نفوذ دولت و سبقه آن	مصادره سازی برخی لایه های اجتماعی در قالب مخالف، افزایش مطالبات و تکثیر لایه های نفوذ ناپذیر اجتماعی در قالب مطالبات فراقانونی و یا توزیع شیوه های مقاومت منفی	
وفاق و انسجام	تفرقه، تشتت، شایعه، ترور شخصیت و تبلیغات کاذب و انسوزا سازی لایه راهبردی	حمایت مادی از لایه های طرح شده و کنترل مند، تفرقه فی مابین لایه های رهرو و حامی نظام یا تشدید قومیت گرایانه	
نخبگان حاکم	تطمیع و جذب نخبگان، نفوذ مظاهر اصلاح طلبانه غیر بومی، تخریب سیاسی، بزرگ نمایی رسانه ای، حذف مقبولیت	پرستیز بخشی روشنفکری، طرح آراء، در رسانه های جهانی، شاخص و برجسته سازی، زمینه سازی و نفوذ بیشتر حضور در حاکمیت و اپوزیسیون سازی از نخبگان	
روشنفکری	جذب و امکان آموزش روشنفکران در مراکز علمی غیر قابل کنترل، دیدگاه ها با یارانه سیاسی و تشویق لایه ها به جذب حمایت از مناظر نظری متعارض، بی توجهی حکومت گرایش های روشنفکری	افزایش فشار حوزه های روشنفکری و دانشگاهی به حوزه های حاکمیتی، نفوذ و توزیع تفکر متعارض ایدئولوژیک بر لایه های علمی اجتماعی و گرایش آن به کارکردهای حزبی	
وفاداری و غرور ملی	رسانه های فرهنگی غیر و انجمن ها و سازمان های فرهنگی متعارض وابسته به بیگانه در پوشش های عام المنفعه فرهنگی، اجتماعی	توزیع و تثبیت هنجارهای فراملی در جامعه، نفی مرزها و دیرینگی هویتی، انحراف سطح غرور ملی جوانان به غرور قومی، تبلیغ الگوی وفاداری اپوزیسیون بیرونی	
تولید علم و فناوری	تبلیغات غالب رسانه ای در کالا، فناوری و محصولات علمی، بورس های تحصیلی در خارج از کشور، به کارگیری نیروهای نخبه علمی	جذب و به کارگیری نیروهای نخبه علمی در اهداف غیر ملی، توزیع علوم غیربومی و فناوری های غالب مصرفی، جلوگیری غیر عملی از تولید علم بومی و فناوری آن	
پیام رسانی و تبلیغ	رسانه های مکتوب و غیر مکتوب اعم از دیداری و شنیداری که به صورت شبکه ای در کشور فعال و منتشر می شود، محافل و مراکز وابسته فرهنگی و سیاسی	انتقال الگوها، نیازها، محرک ها، تمینات و مطالبات فرهنگ غیر و تحریک و تحریض و تهییج انتظارات عامه	

شیوه و روش اجرایی تهدید نرم	ابزار اعمال تهدید نرم	حوزه ظهور و استقرار تهدید نرم
ترویج لمپنیسم اجتماعی و بی توجهی به بقود و هنجارهای حاکم، توجه به شیوه های زیستی و رفتارهای خارج از عرف اجتماعی حاکم	الگوهای اجتماعی کاذب توزیعی در جامعه، مندا و نمادهای زیستی و رفتاری نلبهناجر اجتماعی جایگاه های محرک اقتصادی و سود آور	تحرك اجتماعی
توزیع و انتشار آموزشی و یا عملی الگوهای تصمیم سازی و مشارکتی در کشور بر اساس یافته های نظری و مکاتب غیربومی	سازمان های غیردولتی وابسته به اهداف و منافع ایدئولوژیک امنیت و یا متعارض نهادهای ذی نفوذ و فشار وابسته به محافل بیگانه، آموزش های آکادمیک	مکانیزم تصمیم سازی ملی
ارائه سازکارهای الگوهای مرجع جدید براساس ناکارآمدی الگوی قبلی و حذف قابلیت های الگوهای حلی با کارکرد رسانه ای و جنگ روانی	تبلیغات رسانه ای، ساخت جنبش های نوگرا و تمرکز تمایلات و تمنیات در تمارض یا سازکارهای الگوهای مرجع، برملا سازی ناکارآمدی و آسیب های الگوهای مرجع	الگوهای مرجع
افشاهگری سطح تبعیضات و ناکارآمدی، ارائه الگوهای غیر بومی حقوقی و سنتی و متعجراشه، تغییر ادبیات مطالبه از عدالت و حق جوانی	تبلیغات رسانه ای در بیان ناکارآمدی ها افشاهگری و افاه منفي و فضا سازی کاذب، جایگزین سازی نظری منابع حقوقی عدالت غیر ایدئولوژیک حاکم	عدالت اجتماعی
ترویج الگوهای رفتاری در بیان تقاضا و مخل نظم و انتظام ملی در قالب حضور عامه و حداکثر سازی و ترویج رفتارهای موصوف	تشویق و تحریض رسانه ای، ارائه الگوهای تسرویح در نظام های سیاسی دیگر میتینسگ ها، همایش ها و گردهمایی های فرهنگی	الگوهای تقاضا
تمرکز اطلاعات بر ناکارآمدی ها، تنگناهای فرهنگی- اجتماعی، اجرایی کشور و تولید شبهه و ناکارآمدی	اطلاعات موجود و نافذ در تبلیغات رسانه ای و قدرت رسانه ای در توزیع سریع دقیق، گستره و کیفی	تولید اطلاعات
سرزنش امنیت برگزیده در حاکمیت و غلظت و رقت آن و توزیع و تاکید و تبلیغ امنیت نرم صرف، از سوی انجمن ها و محافل وابسته و تحمیل تمکین مدیریت حکومتی از الگوی موصوف	ارجحیت بخشیدن به ابزارهای امنیت نرم و پیاده سازی ابزاری آن در جامعه تبلیغات کاذب از الگوهای امنیتی برگزیده در سه حوزه سخت، نیمه سخت و نرم بومی حکومت	مدیریت امنیتی

منبع: عصاریان نژاد، حسین، تهدیدات نرم امنیت ملی: مفاهیم و رویکردها، همایش

علمی قدرت نرم، تهران، ۱۳۸۵

دکتر حسینی: در ادامه فرمایش آقای دکتر عساریان باید بگویم که فایده این مباحث به نظر من در این است که متناسب با نوع تهدید امنیت را تحلیل می کنند. در خیلی از تحلیل ها، خیلی از اقدامات بستگی به ادراک شما دارد، نه نوع اقدام. تهدید در واقع در تعامل با بحث قدرت است. یعنی شما در وضعیتی که ارزش های شما را تهدید می کند هستید. چه بسا در بعضی موارد عامل انگیزه دارد، ابزار و قصدش را هم دارد، اما شما به هیچ وجه ادراک به تهدید نمی کنید. برعکس ممکن است چیزی که به واقع تهدید نباشد، تهدید شود. سهم ادراک تهدید در یک رویکرد مهم است. مثلا ادراک سخت افزاری مربوط به جنگ است. درجنگ ادراک سخت افزاری به اندازه جنگ نرم افزاری اهمیت ندارد. تهدید یک بحث مبنایی است که ما باید تعریف کنیم. تا حدتی می تواند قرار دادی باشد و تا حدتی هم تجربی. در جنگ تهدید نسبت به مرحله قبل نیست. تا جنگ صورت نگرفته ما تهدید داریم و احساس خطر جدی می کنیم که ارزش های اسلامی ما نقض بشود. اما وقتی جنگ شد دیگر این تهدید نیست به آن معنا. ولی جنگ می تواند چیز دیگری را تهدید کند آن هم استقرار نقض ارزش هست. در هر مرحله ای ممکن است یک خطر تبدیل شود به یک نا امنی. ما مفهومی از تهدید را باید ارائه کنیم که این مرز را مشخص کند. به نظر من شاخص های مهم، چه در تهدید امنیتی و چه در نا امنی بازگشت به همان شاخص های امنیتی است که ما باید به تهدید امنیتی ارجاع بدهیم. یعنی احساس خطر جدی برای نقض ارزش های بنیادین تعریف شود. اگر نقض شد نا امنی احساس می شود. شاید ملاکش هم همان بازگشت به تعریف ارزش ها و مؤلفه های امنیتی و امثالهم باشد. من فکر می کنم که در نظام، بحث قدرت با تهدید، ضمن این که همپوشانی دارد، تفاوت هایی هم دارد. یعنی امثال " نای" تأکید بیشتر روی قدرت دارند که ماهیتش تأثیر گذاری است اما ماهیت تهدید این نیست جاهایی که این دو از هم فاصله می گیرند، یعنی تأثیراتی که تهدید نیستند یا تهدیداتی که از این رابطه علی و معلولی حداقل به تأثیر نرسیده، اینها یک مقدرای ماهیتشان متفاوت است.

اگرچه تعاریف و شاخص هایی را که ذکر کرده ام هر کدام کاربردی دارد، به ویژه رویکرد دوم؛ و همین امر ما را به صحت و کاربرد نسبی آنها رهنمون می شود؛ اما من معتقد هستم که "نرم" یا "سخت" وصف "هدف" یا "ابزار" تهدید نباید باشد، بلکه

وصفی است برای ماهیت تهدید. از این منظر هر تهدیدی یک مرحله یا یک بعد نرم افزارانه دارد و همین بُعد یا شأن نرم افزاری است که در عرصه عمل نمود سخت افزارانه می یابد. به عبارت دیگر با رویکرد جامعه شناختی، همه تهدیدات نرم هستند و نباید در اینجا تخصیص زد.

جهت تبیین این رویکرد اجتماعی، باید چنین گفت که یک تهدید در سه فضای مختلف ممکن است مطرح باشد و چنین نیست که تهدیدات دارای شأن واحدی باشند: یک. فضای اجتماعی که به تهدید در ارتباط با شبکه روابط اجتماعی توجه دارد. دو. فضای سیاسی که به تهدید در ارتباط با نوع مناسبات آن با قدرت رسمی توجه دارد.

سه. فضای امنیتی که به تهدید در ارتباط با تأثیرات آن بر ثبات نظام ملی توجه دارد. اگرچه در حوزه مطالعات امنیتی بیشتر فضای سوم مورد توجه بوده، اما من معتقد هستم که درک یک تهدید بدون شناسایی ریشه های اجتماعی (و هویت اجتماعی) آن اصلاً میسر نیست. به عبارت دیگر یک تهدید چونان یک کوه یخی است که حداقل ظهورش در حوزه سیاست و امنیت است و عمده هویت آن در حوزه اجتماع ساخته و پرداخته می شود. درک این دیدگاه مستلزم پذیرش الگوی تحلیل جامعه شناختی و گفتمان ایجابی امنیت است که پیش از این و در دروسی که خدمتتان بودیم، به صورت کاملی مطرح شد. علاقمندان می توانند به نوشتار اینجانب تحت عنوان "فرهنگ امنیت جهانی" رجوع نمایند.

آیا تحلیل ما از تهدید نرم می تواند تلفیقی باشد؟

دکتر افتخاری: رویکرد گفتمانی ذاتاً وسیع است. هر جا که شما به رویکرد گفتمانی روی بیاورید، سطح تحلیلتان بالا می رود. پس مصادیق خرد حتماً در دستور کار قرار می گیرند. یعنی رویکرد "بُعد شناسانه"، مباحث گفتمانی را شامل نمی شود. اما اگر تحلیل گفتمانی را انتخاب کردید، درون آن تحلیل "بُعد شناسانه" را خواهید داشت. بنابراین تلفیق عملاً صورت می گیرد.

سؤال: به نظر شما سازمان تهدید نرم و سخت مشابه است یا نه؟

دکتر افتخاری: این از مباحث دامنه دار است. یعنی ما در سازمان معنای تهدید آمدم و گفتیم که یک پدیده از حوزه اجتماعی تا حوزه حیات اجتماعی هشت مرحله را پشت

سر می گذارد: از یک پدیده اجتماعی تا یک بحران امنیتی؛ با این تفسیر حتماً باید پذیرفت که سازمان معنای تهدید نرم و سخت یکسان نمی باشد.

سؤال: اگر زمانی که تهدیدی علیه کشوری اعمال می شود، مثلاً کشوری که دیگری را تهدید به جنگ می کند، آیا زمانی که جنگ اتفاق می افتد، همچنان تهدید محسوب می شود یا نه دیگران تهدید نیست چیز دیگری است؟

دکتر افتخاری: تهدید در واقع فضایی است که در تعامل شکل می گیرد. برای برخی بازیگران چون توان پابینی دارند یک مشکل امنیتی تبدیل به تهدید می شود. ممکن است برای یک بازیگر، "معضل"، یک تهدید امنیتی نباشد. مثل خود ما که از بحران هشت سال جنگ تحمیلی یک فرصت بزرگ ساختیم. بنابراین تهدید رابطه ای است بین عامل و بازیگر مقابل که در شرایط خاصی شکل می گیرد. بنابراین با شاخص هایی چون کنترل، ظرفیت، میزان تغییر و... می توان هویت و شدت تهدید را مشخص کرد. اما کدام یک تهدید است یا نه، بر می گردد به رابطه ای که بین عوامل شکل می گیرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی